چیزی ممنوع باشد اول هرچه دران بغسل طهارت محتاج بود چون نماز و طواف و مس مصحف و قراءة قرآن اما قضای نماز بر او
واجب نباشد دوم روزه و قضای آن لازم بود سیم اعتکاف چهارم مجامعت در فرج و آن منهی عنه است لقوله تعالی فاعتزلوا
النساء پس دور باشید و یکسو روید از زنان فی المحیض در حالت حیض ایشان صحابه بعد از نزول این حکم زنان را از خانها
بیرون میکردند تا آنگه جماعتی از اعراب بعرض حضرت رسالت صلعم رسانیدند که سرما سخت است و پوشیدنی اندک و زنان حایض را
از خانها بیرون کرده ایم اگر جامه بایشان دهیم ما سرما یابیم و اگر ندهیم ایشان برنج افتند و بر ترتیب المقدار جامه که همه را از سر
دست رس نیست حضرت رسالت صلعم فرمود که شما را امر کرده اند باعتزال از مجامعت ایشان نه آنکه ایشان را از خانها اخراج کنید
چنانچه یهود و مجوس میکنند ای عزیز این نیز یکی از علامات اعتدال شریعت کامله محمدیست علی صاحبها افضل الصلوة کی
یهود از مباشرت حایض مجتنب باشند و بس و بطرف تفریط یهود و مجوس پس که از روی تکلم و ملاقات ایشان مطلقا پرهیز
کرده و میل کنند و از جانب افراط انصاری که درین وقت بیشتر از اوقات دیگر با ایشان در آمیختندی و از مجامعت
و معاشرت باک نداشتندی محترز باشند بلکه بطریق وسط سلوک نمایید یعنی با ایشان در آمیزند و مباشرت نکنند
و لا تقربوهن و نزدیک مشوید بر ایشان یعنی مباشرت مکنید درین باب بدین صیغه تاکید کرده یکی ام باعتدال در م
نهی از قربان و این مبالغه از جهة آنست که هر یک از و حیان را داعیه است پس بامر و نهی و دفع هر دو خواهش نفع دو بحق را
تو که ساخت که البته بجهه مجامعت کردن ایشان مروید حتی یطهرن تا وقتی که پاک شوند و چون تشدید خوانند معنی این باشد
که غسل کنند و از طاعة و عبادتی که ممنوع بودند باز باسر آن روند صاحب کشف الاسرار گفته که چون زنان در اصل خلقت عاجز
رنگ و ضعیف بنا و ملول طبع واقع شده اند و بدین سبب ایشان را طاقه دوام خدمت نیست حق سبحانه
بکرم عمیم ایشان را عذری بدید آورد تا در بعضی اوقات گران باری طاعات از ایشان بی اختیار ایشان تخفیف یابد و بعد از
آسایش دیگر بار و آرزوی خدمت تازه گردد و عذر منقطع شده خطاب تکلیف متوجه شود فاذا تطهرن پس چون پاک
غسل کردند فاتوهن پس بیایید بر ایشان من حیث امرکم الله از آنجا که خدای امر کرده است یعنی در حال طهر با بیای مقرر
یا آنگه نه صایم باشند و نه معتکف و نه محرم باید بایشان رسید از قبل نکاح نه از طریق فجور ان الله یحب التوابین بدرستی که
خدای دوست دارد توبه کنندگان را از آنچه نهی کرده است ویحب المتطهرین و دوست دارد پاکیزگان را که از نجاست پرهیز
و خود را از خبث و حدث پاک سازند تا بوظایف عبادات قیام توانند نمود در بحر الحقایق آورده که چنانچه زنان را حیضیت
در ظاهر که ایشان بسبب آن از نماز و روزه باز میمانند بعضی مردان را نیز همین حالت در باطن که ایشان را از حقیقة نماز که
مناجاتست با حضرت قدوس و از حقیقة روزه که امساکست از آرزوها طبایع و نفوس باز میدارد و آن هوای نفس است
پس در آیه اشارتست با آنکه دوری جویید از نفوس در وقت غلبه هوای ایشان تا وقتی که فارغ شوند از قضا حوائج غرور
مثل مأکول و مشروب و منکوح و چون پاک شوند و آب توبه و انابت غسل کنند تصرف کنید در ایشان با وامر الهی

تا بوا ما

تا بوا ما منمحل و خیالات باطله زایل گردد در تفسیر امام جعفر صادق مذکور است که حیض مردان سه چیزاست خلاف عهد و
دروغ در قول و نقض میثاق پس گرد ایشان مگردید تا وقتی که توبه کنند چه خدای دوست میدارد آنها را که توبه کننده اند
از موافقت طبع و پاکیزه شده از مخالفت شرع ای عزیز درین آیه بیان توبه و طهارت جمع کرده زیرا که ایشان را بایکدیگر مناسبتی
هست که نظر بران افتتاح هر کتاب که سالکان مسالک شریعت بتالیف که پرداخته اند از باب طهارتست و آغاز هر باب
که سایران مناهج حقیقت نظر اهتمام بر تصنیف آن انداخته اند بصفت توبه بوده است و وجه مناسبت آنست که همچنانچه انسان از
قاذورات فضلات جسمانیه خالی نیست از وقوع جنایات و ارتکاب خطیات نیز خالی نتواند بود الا من عصمه الله فضلا و کرما
او احدثی واقع میشود باستنجا و تطهیر مشغولست و از کثرت آن و دوام بران ملول نمیگردد پس باید که در طهارة از الواث
گناه نیز بکوشد و چنانچه باب آسمان بر جامه و بدن چیزی از نجاست باقی نمیگذارد باب توبه و پشیمانی نیز ارقام آثار
از نامه عمل پاک سازد و جه جنابت دارد و هر دو زایل گردنیست اما یکی را باب چشمه پاک سازند و دیگری باب چشم بیت
غسل را سنگ زدم کامل طریقت گوید : پاک شو اول و پس دیده بران پاک انداز : ای درویش نجاست دو است
صوری و معنوی و صوری دو بخش است یکی عینی که مطلقا بشستن پاک نشود چون مردار دیگی وصفی که در اصل پاک بوده باشد
و بملاقات نجاستی بحس شده و آن نوعست خفیف که بیک آب طهارة یابد و غلیظ که بشستن آب و خاک بهایت
پاکیزه گردد و نجاست معنوی نیز دو قسمت یکی عینی آن شرک باشد که نجاست آن هرگز زایل نشود و طهارة مغفرت را
نیابد ان الله لا یغفر ان یشرک به دوم وصفی آن جنس معصیت است که طهارت پذیر باشد و آن یا زده نوع باشد یکی
صغیره که بمجرد مرور بر آتش دوزخ پاک شود و ان منکم الا واردها دیگر کبیره که مدتی در آتش باید تا تمام بسوزد و اما بر سبیل
خلود چنانچه کفار راهست که نجاست شرک ایشان عینی است و ازاله آن محال بود و پس اگر کسی این سرای لوث گناه را
که غیر مطلبه باشد باب حسرت و توبه بشوید هر آینه پاک گردد و اگر این طهور اینجا دست ندهد آنجا جز باتش میسر نیست الا ما شاء الله
پس امروز آتش غیرت در باطن بر افروز و گناهان خود را بشعله خجلت و ندامت بسوزد بیت کز آتش توبه بر فروزد :
خاشاک گناه را بسوزد : ای عزیز لوث معصیت را جز باب توبه و آتش حسرت پاک نتوان ساخت درین کار تقصیر مکن بگریز
توبه و طهارت علقه محبت یابی که یحب التوابین و یحب المتطهرین و بدانکه علما را در باب توابین و متطهرین سخنان است
از جمله آنکه توابند از کبایر و متطهرین از صغایر یا توابند از کفر و متطهر با ایمان یا تواب از اتیان نساء در حیض و متطهر از ادبار نسوان
یا تواب از گناه و متطهر از عیوبان یا تواب از منهیات و متطهر بارتکاب مامورات یا توابند از بدعت و متطهر بآیات
و سنت یا توابند از ذلت و متطهران علت و در فصول عبد الوهاب آورده که توابین اصحاب حضرت پیغمبر اند صلوات
الله و متطهرین اهل بیت پیغمبر صلعم و در تفسیر ابو اللیث آورده که تواب آنست که گناه کرده و بخدای بازگشته
و متطهر آنکه مرتکب گناه نگشته و اگر گویند که چرا گناه کار را بر بیگناه تقدیم کرد جواب آنست بجهه آن تا بنده تایب

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)